

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

فِي سَوْقِ مَشْهَدَ

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ...﴾

الحُجرات: ١٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید.

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

الذُّرْسُ الْأَوَّلُ

از نشانه‌های اخلاق

قَوْمٌ	لَا يَسْخَرُ	أَمُّوْا	الَّذِيْنَ	يَا أَيُّهَا
مردمی	نباید مسخره کنند	ایمان آوردند	کسانی که	ای
يَكُونُوا	أَنْ	عَسَى	قَوْمٍ	مِنْ
باشند	که	شاید	مردمی	از
نَسَاءً	لَا	وَ	مِنْهُمْ	خَيْرًا
زنانی	نه	و	از آنها	بهتر
يَكُنَّ	أَنْ	عَسَى	نَسَاءٍ	مِنْ
باشند	که	شاید	زنانی	از
			مِنْهُنَّ	خَيْرًا
			از آنها	بهتر

ترجمه‌ی روان: ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید مردمانی، مردمانی (دیگر) را ریشخند کنند، شاید آن‌ها بهتر از خودشان باشند و نه زنانی، زنان (دیگر) را، شاید که آن‌ها بهتر از خودشان باشند.

لَا تَنَابَرُوا	وَ	أَنْفُسِكُمْ	لَا تَلْمِزُوا	وَ
(لقب) زشت ندهید	و	خودتان	عیب نگیرید	و
بَعْدَ	الْفُسُوقِ	الْإِسْمِ	بِئْسَ	بِالْأَلْقَابِ
بعد	گناه	نام	چه بد است	لقب‌های
فَأُولَئِكَ	لَمْ يَتُوبْ	مَنْ	وَ	الْإِيمَانَ
پس آن‌ها	توبه نکرد	هر کس	و	ایمان
			الظَّالِمُونَ	هُمُ
			ستمگران	همان

ترجمه‌ی روان: و از خودتان عیب نگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت ندهید. آلوده شدن به گناه بعد از ایمان بد اسمی است و هر کس توبه نکند پس آن‌ها همان ستمکارانند.

یا ایُّهَا	الَّذِينَ	آمَنُوا	إِخْتَبَيُوا	كثيَراً
ای	کسانی که	ایمان آوردید	بپرهیزید	بسیار
مِنَ	الظَّنِّ	إِنَّ	بَعْضَ	الظَّنِّ
از	گمان	به راستی که	بعضی	گمان
إِثْمٍ				
گناه				

ترجمه‌ی روان: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید به راستی که برخی از گمان‌ها گناه هستند.

وَ	لَا تَجَسَّسُوا	وَ	لَا يَعْتَبَ	بَعْضُكُمْ
و	جاسوسی نکنید	و	نباید غیبت کند	بعضی از شما
بَعْضاً	أَيُّحِبُّ	أَحَدُكُمْ	أَنْ	يَأْكُلَ
بعضی	آیا دوست می‌دارد	یکی از شما	که	بخورد
لَحْمَ	أَخِيهِ	مَيْتاً	فَكَرِهْتُمُوهُ	وَ
گوشت	برادرش	مرده	پس ناپسند می‌دارید آن را	و
اتَّقُوا	اللَّهَ	إِنَّ	اللَّهَ	تَوَابُ
پروا کنید	خدا را	قطعاً	خدا	بسیار توبه‌پذیر
رَحِيمٍ				
مهربان				

ترجمه‌ی روان: و جاسوسی نکنید و نباید برخی از شما غیبت برخی دیگر را بکند (غیبت همدیگر را نکنید) آیا یکی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ (کاری که) آن را ناپسند می‌دارید. و از خدا پروا کنید بی‌گمان خدا بسیار توبه‌پذیر مهربان است.

قد	يَكُونُ	بَيْنَ	الْتَّاسِ	مَنْ
گاهی	می باشد	میان	مردم	کسی
هُوَ	أَحْسَنُ	مِنَّا	فَعَلَيْنَا	أَنْ
او	نیکوتر	از ما	پس ما باید	که
تَبْتَعِدَ	عَنِ	الْعُجْبِ	وَ	أَنْ
دور شویم	از	خودپسندی	و	این که
لَا نَذْكُرُ	عُيُوبَ	الْآخَرِينَ	بِكَلَامٍ	خَفِيٍّ
یاد نکنیم	عیب‌های	دیگران	با سخنی	پنهان
أَوْ	بِإِشَارَةٍ			
یا	با اشاره‌ای			

ترجمه‌ی روان: گاهی بین مردم کسی است که از ما بهتر است، پس ما باید از عیب دور شویم و این که عیب‌های دیگران را با سخنی پنهان یا اشاره‌ای یاد نکنیم.

فَقَدْ قَالَ	أَمِيرُ	الْمُؤْمِنِينَ	عَلِيٌّ	عليه السلام
گفته است	امیر	مؤمنان	علی	سلام بر او باد
أَكْبَرُ	الْعَيْبِ	أَنْ	تَعْيِبَ	ما
بزرگ‌ترین	عیب	این است که	عیب‌جویی کنی	آن چه را
فِيكَ	مِثْلُهُ			
در توست	مانند آن			

ترجمه‌ی روان: امیر مؤمنان علی (ع) فرموده است: «بزرگ‌ترین خودپسندی این است که آن چه را مانند آن در توست (در دیگران) عیب‌جویی کنی»

تَنْصَحُنَا	الْآيَةَ	الْأُولَى	وَ	تَقُولُ
نصیحت می کند ما را	آیه‌ی	اول	و	می گوید:
لَا تَعَيْبُوا	الْآخَرِينَ	وَ	لَا تُلْقُواهُمْ	بِالْقَابِ
عیب‌جویی نکنید	دیگران را	و	لقب ندهید آن‌ها را	با لقب‌هایی
يَكْرَهُنَّهَا				
نمی‌پسندند آن را				

ترجمه‌ی روان: آیه‌ی اول ما را نصیحت می کند و می گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید و آن‌ها را با لقب‌هایی که آن را نمی‌پسندند لقب ندهید.

بِئْسَ	وَالْعَمَلُ	الْفُسُوقُ	وَ	مَنْ
چه بد است	کار	گناه	و	هر کس
يَفْعَلُ	ذَلِكَ	فَهُوَ	مِنْ	الظَّالِمِينَ
انجام دهد	آن را	پس او	از	ستمکاران

ترجمه‌ی روان: آلوده شدن به گناه، بدکاری است و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

إِذَنْ	فَقَدْ حَرَّمَ	اللَّهُ	تَعَالَى	فِي
بنابراین	قطعاً حرام کرده است	خدا	بلند مرتبه	در
هاتین	الآيتين	الإشْتِهَاءِ	بِالْآخِرِينَ	وَ
این	دو آیه	مسخره کردن	دیگران	و
تَسْمِيَّتِهِمْ	بِالْأَسْمَاءِ	الْقَبِيحَةِ		
نامیدن آن‌ها	به نام‌های	زشت		

ترجمه‌ی روان: بنابراین خدای بلند مرتبه در این دو آیه حرام کرده است: مسخره کردن دیگران و نامیدنشان به نام‌های زشت را.

سوء	الظَّنُّ	وَ	هُوَ	اتِّهَامٌ
بد	گمان	و	آن	متهم کردن
شَخْصٍ	لِشَخْصٍ	آخَرَ	بِدُونِ	دليل
شخصی	برای شخصی	دیگر	بدون	دلیل
مَنْطِقِيٌّ				
منطقی				

ترجمه‌ی روان: گمان بد و آن متهم کردن شخصی برای شخصی دیگر بدون دلیلی منطقی است.

التَّجَسُّسَ	وَ	هُوَ	مُحَاوَلَةٌ	قَبِيحَةٌ
جاسوسی کردن	و	آن	تلاشی	ناپسند
لِكَشْفِ	أَشْرَارِ	النَّاسِ	لِفُضْحِهِمْ	وَ
برای کشف	رازها	مردم	برای رسوا کردنشان	و
هُوَ	مِنْ	كِبَائِرِ	الدُّنُوبِ	فِي
آن	از	بزرگ‌ترین	گناهان	در
مَكْتَبِنَا	وَ	مِنْ	الأَخْلَاقِ	السَّيِّئَةِ
مکتب ما	و	از	اخلاق	زشت

ترجمه‌ی روان: جاسوسی کردن، و آن تلاشی ناپسند برای کشف رازهای مردم برای رسوا کردنشان است و آن از بزرگ‌ترین گناهان در مکتب ما و از اخلاق زشت است.

وَ	الغَيْبَةَ	وَ	هِيَ	مِنْ
و	غیبت کردن	و	آن	از
أَهَمُّ	أَسْبَابِ	قَطْعِ	التَّوَاصُلِ	بَيْنَ
مهم‌ترین	علل	قطع کردن	ارتباط	بین
				التَّاسِ
				مردم

ترجمه‌ی روان: و غیبت کردن، و آن از مهم‌ترین علل قطع ارتباط بین مردم است.

سَمَى	بَعْضُ	الْمُفَسِّرِينَ	سُورَةَ	الْحَجَرَاتِ
نامید	بعضی	از مفسران	سوره	حجرات را
الَّتِي	جَاءَتْ	فِيهَا	هَاتَانِ	الآيَاتِ
که	آمد	در آن	این دو	دو آیه
	الأَخْلَاقِ			
بِسُورَةِ	اخلاق			
به سوره‌ی				

ترجمه‌ی روان: برخی از مفسران سوره‌ی حجرات را که این دو آیه در آن آمده است، سوره‌ی اخلاق نامیدند.

جعبه لغات

اِثْقَى: پروا کرد، ترسید (مضارع: يَثْقَى؛ امر: اِثْقِ) (=خافت)	إِثْمٌ: گناه (= ذَنْبٌ) (جمع: آثَام)	إِسْتِهْزَأَ: ریشخند کردن (ماضی: اسْتِهْزَأَ؛ مضارع: يَسْتِهْزِئُ)
إِغْتَابٌ: غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ؛ مصدر: اغْتَابَ)	أَنْ يَكُنَّ (أَنْ يَكُونُوا): که باشند (ماضی: كَانَ؛ مضارع: يَكُونُ)	بَغَضٌ ... بَغَضٌ: یکدیگر
بُئْسَ: بداست (=بِئْسَ)	تَابَ: توبه کرد (= اسْتَغْفَرَ، رَجَعَ عَنِ ذَنْبِهِ) (مضارع: يَتُوبُ؛ مصدر: تَوَبَ)	تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ؛ مصدر: تَجَسَّسَ)
تَسْمِيَةٌ: نام دادن، نامیدن (ماضی: سَمَى؛ مضارع: يَسْمِي)	تَنَابَرُ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (ماضی: تَنَابَرُوا؛ مضارع: يَتَنَابَرُونَ)	تَوَّابٌ: بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده (اسم مبالغه)
تَوَاضَلُ: ارتباط (ماضی: تَوَاضَلُوا؛ مضارع: يَتَوَاضَلُونَ)	حَرَمٌ: حرام کرد (= أَحْلَأَ) (مضارع: يُحَرِّمُ؛ مصدر: حَرَّمَ)	حَفِيٌّ: پنهان (= مَسْتَوْر، مُسْتَتِر) (= ظَاهِر) (جمع: حَفَايَا)
سَخَّرَ مِنْ: مسخره کرد (مضارع: يَسَخِّرُ؛ مصدر: سَخَّرَ) (= اسْتِهْزَأَ)	عَابَ: عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (= لَمَزَ) (مضارع: يَعْيبُ؛ مصدر: عَيْبَ)	عُجِبَ: خودپسندی (= تَكَبَّرَ، غُرور) (= تَوَاضَع، خُشوع)
عَسَى: شاید، امید است (= زُيْمَا)	فُسُوقٌ: آلوده شدن به گناه	فَضَحَ: رسوا کردن
قَدَّ: گاهی، شاید (برسرمضارع) (بر سر فعل ماضی، ماضی نقلی می‌سازد)	كِبَائِرٌ: گناهان بزرگ (مفرد: كَبِيرَةٌ) (= صَغَائِرٌ)	كِرَةٌ: ناپسند داشت (= أَحَبَّ) (مضارع: يَكْرَهُ؛ مصدر: كَرَاهَةٌ)
لَحْمٌ: گوشت (جمع: لُحُومٌ)	لَقَّبَ: لقب داد (مضارع: يُلَقِّبُ؛ مصدر: تَلَقَّبَ)	لَمَزَ: عیب گرفت (= عَابَ، اغْتَابَ) (مضارع: يَلْمِزُ؛ مصدر: لَمَزَ)
مَيِّتٌ: مُرَدَّة (= مَيِّتٌ، مُتَوَفَّى) (= حَيٌّ) (جمع: أموات، موتى)	حَيٌّ: بشتاب (فعل أمر) (= عَجَلَنَ)	أَهْدَى: هدیه کرد (= أَعْطَى) (مضارع: يُهْدِي؛ مصدر: إهداء)
الْفَلَقُ: سپیده دم (= الشَّفَقُ) (جمع: الأَفْلاق)	عَلَبَ: چیره شد، غلبه کرد (مضارع: يَغْلِبُ؛ مصدر: غَلَبَ)	جَادَلٌ: ستیز کرد (= نَارَعَ، بَاخَتَ) (مضارع: يُجَادِلُ؛ مصدر: مُجَادَلَةٌ)
ضَلَّ: گمراه شد (= اِهْتَدَى) (مضارع: يَضِلُّ؛ مصدر: ضَلَّال)	سِعْرٌ: قیمت (جمع: أسعار)	نَوْعِيَّةٌ: جنس، نوع
مَتَجَرٌ: مغازه (جمع: مَتَاجِرٌ)	زَمِيلٌ: همکار، هم‌شاگردی (جمع: زُمَلَاءٌ)	تَخْفِيفٌ: تخفیف دادن (ماضی: خَفَّفَ؛ مضارع: يُخَفِّضُ)
سَاءٌ: بد شد (مضارع: يَسُوءُ) (= حَسُنَ)	عَذَّبَ: عذاب داد (مضارع: يُعَذِّبُ؛ مصدر: تَعَذَّبَ)	تَمَّمَ: تمام کرد (مضارع: يَتِمُّمُ؛ مصدر: تَتَمَّمَ)
حَسَنٌ: نیکو گرداند (مضارع: يُحَسِّنُ؛ مصدر: تَحَسَّنَ)	المِيزَانُ: ترازو (ترازوی اعمال) (جمع: المِوازِين)	دَعَا: فراخواند، دعوت کرد، دعا کرد (مضارع: يَدْعُو؛ امر: ادْعُ؛ مصدر: دَعَا)
المُحْمِلُ: کجاوه (جمع: المُحْمِلَاتُ)		

جَوَّازٌ (فِي سُوْقِ مَشْهَدِ الْمُقَدَّسَةِ)

گفت وگو (در بازار مشهد مقدس)

بَائِعُ الْمَلَابِسِ فروشنده‌ی لباس	الزَّائِرُ الْعَرَبِيَّةُ زائر عرب
عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرْحَبًا بِكُمْ. درود بر شما باد، خوش آمدید.	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ. درود بر شما.
بِسْتُونَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. شصت هزار تومان.	كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ قیمت این پیراهن مردانه چند است؟
عِنْدَنَا بِخَمْسِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. تَفَضَّلِي أَنْظُرِي. پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن.	أُرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا، هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ. ارزان تر از این می‌خواهم، این قیمت‌ها گران است.
أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَرْقُوقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ بِنَفْسَجِيٍّ. سفید و مشکی و آبی و قرمز و زرد و بنفش.	أَيُّ الْأَلْوَانِ عِنْدَكُمْ؟ چه رنگ‌هایی دارید؟
تَبْدَأُ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار تومان شروع می‌شود تا هشتاد و پنج هزار تومان.	بِكَمْ تُوْمَانِ هَذِهِ الْفَسَاتِينُ؟ این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟
سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ التَّوْعِيَّاتِ. سرور من، قیمت با توجه به جنس‌ها فرق دارد.	الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ! قیمت‌ها گران است!
السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ وَ السَّرَوَالُ النِّسَاءِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. شلوار مردانه نود هزار تومان، و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان	بِكَمْ تُوْمَانٍ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟ این شلوارها چند تومان است؟
ذَلِكَ مَتَجَرُّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ. آن مغازه‌ی همکارم است، او شلوارهای بهتری دارد.	أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ. شلوارهایی بهتر از این‌ها را می‌خواهم.
فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ... در مغازه‌ی همکارش ...	
صَارَ الْمُبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. أَعْطَانِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا. مبلغ دویست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف، دویست و بیست هزار تومان بده.	رَجَاءً، أَعْطَانِي سِرْوَالًا مِنْ هَذَا التَّوْعِ. كَمْ صَارَ الْمُبْلَغُ؟ لطفاً یک شلوار از این نوع به من بده. قیمت چند است؟

اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

در سال دهم با وزن‌هایی آشنا شدیم که هر کدام معنا و مفهوم خاصی دارند^۱، «اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه» از این دسته بودند، در این درس با دو نوع دیگر از این مجموعه اسم‌ها آشنا می‌شویم:

اسْمُ التَّفْضِيلِ

در درس فارسی با «صفت برتر» و «صفت برترین» آشنا شده‌ایم، هرگاه بخواهیم دو چیز را با هم بسنجیم و یکی را بر دیگری برتری دهیم، از **صفت برتر** یا صفت تفضیلی استفاده می‌کنیم، اما وقتی می‌خواهیم یک چیز را با چیزهای دیگر (انواع مختلف) مقایسه کنیم، از **صفت برترین** یا صفت عالی استفاده می‌کنیم، برای ساختن صفت برتر و برترین به شکل زیر عمل می‌کنیم:

صفت ساده + تر ← صفت برتر صفت ساده + ترین ← صفت برترین

صفت ساده	صفت برتر	صفت برترین
زیبا	زیباتر	زیباترین
پاک	پاک‌تر	پاک‌ترین

📌 **نکته** در زبان فارسی، صفت برتر را پس از اسم و صفت برترین را پیش از اسم به کار می‌بریم:

📌 **مثال** درخت زیباتر / زیباترین درخت

در زبان عربی به صفت برتر/ برترین، «اسم تفضیل» می‌گوییم و هنگام ساختن آن برای مذکر و مؤنث از دو وزن متفاوت استفاده می‌نماییم:

مثال	وزن	اسم تفضیل (مذکر)
أَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)، أَحْسَنُ (نیکوتر، نیکوترین)، أَفْضَلُ (برتر، برترین)	أَفْعَلُ	اسم تفضیل (مذکر)
كُبْرَى (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)، حُسْنَى (نیکوتر، نیکوترین)، فَضْلَى (برتر، برترین)	فُعْلَى	اسم تفضیل (مؤنث)

📌 **مثال** آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروپا! / آسیا بزرگ‌تر از اروپاست! / آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ! / آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های دنیاست!

^۱ به اسم‌هایی که بر وزن‌های خاصی از ریشه‌های مختلف می‌آیند و معنا و مفهوم مشخصی می‌سازند، اسم‌های مشتق می‌گوییم. اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه و ... از معروف‌ترین انواع اسم‌های مشتق هستند.

🔹 **نکته** گاهی اسم تفضیل مذکر بر وزنی شبیه «أَفْعَى» می‌آید:

أَعْلَى (بلندتر، بلندترین) أَغْلَى (گران‌تر، گران‌ترین) أَذْكَى (باهوش‌تر، باهوش‌ترین) أَقْوَى (قوی‌تر، قوی‌ترین)

🔹 **نکته** گاهی دو حرف از سه حرف ریشه‌ی یک فعل، مثل هم دیگرند (مانند: ح ب ب، ش د د)، در این حالت اسم تفضیل همراه با

تشدید روی حرف تکراری ساخته می‌شود و در تشخیص آن باید دقت کنیم:

🔹 **مثال** ریشه‌ی فعل (ح ب ب) ← اسم تفضیل: أَحَبَّ [محبوب‌تر] ریشه‌ی فعل (ق ل ل) ← اسم تفضیل: أَقَلَّ [کمتر]

ریشه‌ی فعل (ش د د) ← اسم تفضیل: أَشَدَّ [شدیدتر] ریشه‌ی فعل (ه م م) ← اسم تفضیل: أَهَمَّ [مهم‌تر]

🔸 مراقب باشید در تشخیص دو اسم مهم زیر دچار اشتباه نشوید:

اسم	وزن (نوع)	مؤنث آن	معنای فارسی
آخِر	أَفْعَل (اسم تفضیل)	أُخْرَى	دیگر
آخِر	فَاعِل (اسم فاعل)	آخِرَة	پایان (همان آخر خودمان!)

🔹 **نکته** اسم تفضیل مانند سایر اسم‌ها می‌تواند جمع بسته شود، معمولاً جمع مکسر آن بر وزن «أَفَاعِل» می‌آید:

🔹 **مثال** «أَرَادِل» جمع مکسر «أَرْدَل» و «أَفَاضِل» جمع مکسر «أَفْضَل» و هر دو اسم تفضیل هستند.

🔸 باید مراقب باشید اسم تفضیل را با فعل ماضی از باب افعال (که بر وزن «أَفْعَل» می‌آید)، فعل مضارع اول شخص مفرد (که همیشه در پایانش ضمه می‌آید) و فعل امر برای مفرد مذکر اشتباه نگیرید:

🔹 **مثال** «قَدْ أَحْسَنَ الْمُؤْمِنُ إِلَى النَّاسِ!» ← «أَحْسَنَ» فعل ماضی سوم شخص از باب افعال است.

🔹 **مثال** «إِنِّي أَرْفَعُ عِلْمَ إِيْرَانِ!» ← «أَرْفَعُ» فعل مضارع اول شخص مفرد است.

🔹 **مثال** «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ!» ← «إِرْحَمْ» فعل امر برای مفرد مذکر است.

🔸 اسم رنگ‌ها بر وزن «أَفْعَل» می‌آید اما هیچ‌کدام اسم تفضیل نیستند؛ «أَخْضَرَ، أَبْيَضَ، أَسْوَدَ، أَحْمَرَ...» هیچ‌کدام اسم تفضیل نیستند.

🔹 **نکته** همان‌طور که گفته شد اسم تفضیل برای مؤنث بر وزن «فُعْلَى» می‌آید:

🔹 **مثال** فَاطِمَةُ الْكُبْرَى (فاطمه بزرگ‌تر) / هِيَ الْفُضْلَى (او برتر است).

اما وقتی دو اسم مؤنث با هم مقایسه می‌شوند و بینشان «مِن» می‌آید، همان وزن «أَفْعَل» استفاده می‌شود:

🔹 **مثال** «بِنْتِي أَصْغَرُ مِنْ فَاطِمَةَ!» (دخترم کوچک‌تر از فاطمه است!) ← دو اسم مؤنث مقایسه شده‌اند، پس اسم تفضیل به صورت

وزن «أَفْعَل» استفاده شده است.

🔹 **نکته** همان‌طور که گفته شد اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است:

۱ هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، به صورت «صفت برترین» فارسی ترجمه می‌شود:

◀ **مثال** سورة البقرة أكبر سورة في القرآن! :سوره‌ی بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است!

◀ **مثال** أحمد أكبر البنين في الأسرة! : احمد بزرگ‌ترین فرزندان در خانواده است!

۲ در غیر این صورت اسم تفضیل به صورت «صفت برتر» ترجمه می‌شود:

◀ **مثال** أحمد أكبر من أخيه! : احمد بزرگ‌تر از برادر خود است!

◀ **مثال** شاهدت الأخ الأكبر في الملعب! : برادر بزرگ‌تر را در ورزشگاه دیدم!

◀ **نکته** «خَيْر» و «شَر» گرچه بر وزن اسم تفضیل نیستند، اما گاهی می‌توانند اسم تفضیل واقع شوند، حالت‌های مختلف این دو اسم در

جدول زیر بررسی شده است:

حالت‌ها	معنی	نوع کلمه	مثال
حالت اول	خیر: خوبی شَر: بدی	مصدر	لا خَيْرَ فِي مُجَالَسَةِ الْجَاهِلِ! : هیچ خوبی در هم‌نشینی با نادان نیست!
حالت دوم	خیر: خوب شَر: بد	صفت ساده	السَّعَادَةُ ثَمَرَةُ الْعَمَلِ الْخَيْرِ! : خوش‌بختی نتیجه‌ی کار خوب است!
حالت سوم	خیر: بهتر، بهترین شَر: بدتر، بدترین	اسم تفضیل	أَنْتَ خَيْرٌ مِنْ جَمِيعِ التَّلَامِيذِ! : تو بهتر از همه‌ی دانش‌آموزان هستی! خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا! : بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست!

اسم المکان

یکی دیگر از وزن‌های مهم، «اسم مکان» است که بر مکان دلالت می‌کند، این اسم معمولاً بر وزن «مَفْعَل» و «مَفْعِل» می‌آید:

◀ **مثال** «مَلْعَب»: ورزشگاه ← مکان ورزش کردن «مَطْعَم»: رستوران ← مکان غذا خوردن «مَصْنَع»: کارخانه ← مکان ساختن

«مَحْمِل»: کجاوه ← مکان حمل کردن «مَنْزِل»: خانه ← مکان نزول کردن «مَغْرِب»: مغرب ← مکان غروب کردن

◀ **نکته** برای این‌که هیچ‌گاه وزن‌های اسم مکان را فراموش نکنید، عبارت «مَسْنِدٌ وَ مَعْبَدٌ» را به‌خاطر بسپارید!

🔹 **نکته** گاهی اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَة» می‌آید، باید دقت داشت که این وزن الزاماً به معنای مؤنث بودن کلمه نیست:

🔹 **مثال** «مَكْتَبَة»: کتابخانه «مَطْبَعَة»: چاپخانه «مَدْرَسَة»: مدرسه

🔸 تنها اسمی به عنوان «اسم مکان» شناخته می‌شود که بر وزن‌های گفته شده آمده باشد، باید مراقب باشیم که هر اسمی را که معنای مکان می‌دهد، اسم مکان در نظر نگیریم؛ اسم‌هایی مانند: تحت (زیر)، غابة (جنگل)، بلاد (کشور)، مدینة (شهر) و... که هیچ یک بر وزن‌های مشخص شده نیامده‌اند، اسم مکان محسوب نمی‌شوند.

🔹 **نکته** اسم مکان به صورت جمع مکسر و بر وزن «مَفَاعِل» جمع بسته می‌شود:

🔹 **مثال** مَلْعَب ← مَلَاعِب مَطْعَم ← مَطَاعِم مَكْتَبَة ← مَكَاتِب مَدْرَسَة ← مَدَارِس

در جدول زیر همی اسم‌های وزن‌دار و مفهوم‌داری که سال گذشته و امسال فوایدیم، جمع‌بندی شده است:

نوع	وزن	مفهوم	مثال
اسم فاعل	فعل‌های گروه اول: فاعِل	انجام‌دهنده‌ی کار	شاکِر: سپاس‌گزار
	فعل‌های گروه دوم: مٌ ... -		مُعَلِّم: آموزش‌دهنده، آموزگار
اسم مفعول	فعل‌های گروه اول: مَفْعُول	مورد کار واقع شده	مَشْكُور: مورد سپاس واقع شده
	فعل‌های گروه دوم: مٌ ... -		مُعَيَّن: مشخص شده
اسم مبالغه	«فَعَال» و «فَعَالَة»	فراوانی صفت	فَهَام: بسیار فهیم عَلَامَة: بسیار دانا
اسم تفضیل	مذکّر: أَفْعَل	صفت برتر/ برترین	أَفْضَل: برتر، برترین
	مؤنث: فُعْلی		فُضْلی: برتر، برترین
اسم مکان	«مَفْعَل» و «مَفْعِل»	دلالت بر مکان	مَلْعَب: ورزشگاه مَحْجِل: کجاوه

سوالات تشریحی

بارم	مکمل و مرتبط با صفحه‌های ۲ تا ۱۳ کتاب درسی	(دیف)
۵	<p>لترجمة:</p> <p>الف) ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ﴾</p> <p>ب) ﴿ وَ لَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ ﴾</p> <p>ج) التَّجَسُّسُ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ.</p> <p>د) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.</p> <p>هـ) عَلَيْنَا أَنْ لَا نَذْكُرَ غُيُوبَ الْآخِرِينَ بِكَلَامِ حَفِيِّ أَوْ إِشَارَةٍ.</p> <p>و) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.</p> <p>ز) يَبْسُ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ.</p>	۱
۲	<p>الف. تَرْجِمَ مَا تَحْتَهُ حَطًا: جَبَلٌ دَمَانِدٌ أَعْلَى جِبَالِ إِيرَانَ. يَا سَيِّتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ!</p> <p>ب. أَكْتُبُ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: عَسَى / تَسْمِيَةٌ / حَيٍّ / تَوَاصَلُ / زُبْمًا / مَيِّتٌ</p> <p>..... = ≠</p> <p>ج. أَكْتُبُ مُفْرَدًا أَوْ جَمَعَ الْكَلِمَتَيْنِ: الذَّنْبُ: أَفْضَلُ:</p> <p>د. عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْآخَرَى فِي الْمَعْنَى:</p> <p>۱. أَحَبُّ - صُغْرَى - أَنْفَعُ - أَسْوَدُ ۲. حَفِيٌّ - مَطْعَمٌ - مَخْبُوءٌ - مَكْتُومٌ</p>	۲
۰/۵	<p>عَيِّنِ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحَةَ:</p> <p>الف. لَا تَعِيْبُوا الْآخَرِينَ: ۱. غَيَّبْتُ هَمْدِيغَرَ رَا نَكْنِيْد. □ ۲. اَز دِيْغِرَانَ عَيْبِ جُوْبِي نَكْنِيْد. □</p> <p>ب. الْأَشْعَارُ غَالِيَةٌ: ۱. قِيْمَتُهَا كَرَانَ اسْت. □ ۲. اِحْتِسَابُ ارْزَانِ اسْت. □</p>	۳
۱/۵	<p>كَمِّلِ التَّرْجِمَةَ:</p> <p>۱. ﴿إِنَّ رَبَّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ يَقِيْنًا پُروردگارت به [حال] از راه او و نيز به [حال] داناتر است.</p> <p>۲. اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي.:: خداوندا همچنان كه را نيكو گردانيدى را</p>	۴
۱	<p>عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ: ✓ x</p> <p>۱. الْغَيْبَةُ تُسَبِّبُ قَطْعَ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.</p> <p>۲. شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.</p> <p>۳. عَلَيْنَا أَنْ لَا نَذْكُرَ إِخْوَانَنَا وَ أَخَوَاتِنَا بِشَرِّ.</p> <p>۴. الشَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ أَمْرٌ جَمِيْلٌ.</p>	۵

٦	صَعَّ فِي الدَّائِرَةِ العَدَدَ المُنَاسِبَ «كَلِمَتَانِ»: ١. التَّنَائِبُ بِالأَلْقَابِ <input type="radio"/> الذُّنُوبُ الكَبِيرَةُ. ٢. المَيْتُ <input type="radio"/> مَكَانٌ لِلرِّيَاضَةِ. ٣. اللُّحْمُ <input type="radio"/> الَّذِي لَيْسَ حَيًّا. ٤. المَلْعَبُ <input type="radio"/> التَّسْمِيَةُ بِالأَسْمَاءِ القَبِيحَةِ. ٥. التَّخْفِيفُ ٦. الأَكْبَابُ								
٧	أَكْتُبِ العَمَلِيَّةَ الحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمَثَالِ (١٠+٤=١٤): ١. عَشْرَةٌ زَائِدٌ حَمْسِينَ يُسَاوِي سِتِّينَ..... ٢. ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةِ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ.....								
٨	تَرْجِمِ الأَفْعَالَ التَّالِيَةَ: <table border="1" style="width: 100%; text-align: center;"> <tr> <td>ما انكسَرَ:.....</td> <td>سَيَنكسِرُ:.....</td> <td>كَانَتْ تَنكسِرُ:.....</td> <td>انكسار: شكسته شدن</td> </tr> <tr> <td>هم عَلموا:.....</td> <td>هُم عَلموا:.....</td> <td>عَلموا أَنتم:.....</td> <td>تعليم: آموزش دادن</td> </tr> </table>	ما انكسَرَ:.....	سَيَنكسِرُ:.....	كَانَتْ تَنكسِرُ:.....	انكسار: شكسته شدن	هم عَلموا:.....	هُم عَلموا:.....	عَلموا أَنتم:.....	تعليم: آموزش دادن
ما انكسَرَ:.....	سَيَنكسِرُ:.....	كَانَتْ تَنكسِرُ:.....	انكسار: شكسته شدن						
هم عَلموا:.....	هُم عَلموا:.....	عَلموا أَنتم:.....	تعليم: آموزش دادن						
٩	عَيِّنِ الكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الكَلِمَاتِ الأُخْرَى فِي التَّنَوُّعِ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ: ١. مَزَارِعٌ □ مَطْبَعَةٌ □ مُحَاوَلَةٌ □ مَخَازِنٌ □ ٢. أَحسَنُ □ أَحسَنَ □ أَحسِنَ □ أَحسِنُ □								
١٠	عَيِّنِ المَطْلُوبَ مِنْكُ: ١. إِنَّمَا يُعِشْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الأَخْلَاقِ. (الفِعْلُ المَاضِي المَجهُولُ وَ المَفْعُولُ) ٢. لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي المِيزَانِ مِنَ الخُلُقِ الحَسَنِ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الصِّفَةِ)								
١١	عَيِّنِ المَحَلَّ الإِعْرَابِيَّ لِكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ: عَدَاوَةٌ العَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الجَاهِلِ.								
١٢	عَيِّنِ اسْمَ الفَاعِلِ وَ اسْمَ المَبَالِغَةِ وَ تَرَجِّمُهُمَا: يَا مَنْ يُحِبُّ المُحْسِنِينَ، يَا سَتَّارَ الغُيُوبِ!								
١٣	صَعَّ فِي الفَرَاغِ كَلِمَةٌ مَنَاسِبَةٌ مِنَ الكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»: أَهْدَى / تَقْسِيمٌ عَلَيَّ / أَحَبُّ / أَقْلُ / صَرَبٌ فِي / غَالِيَةٌ ١. خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مِنْ . . . إِلَيْكُمْ غُيُوبِكُمْ. ٢. . . . عِبَادِ اللّهِ إِلَى اللّهِ أَنْفَعَهُمْ لِعِبَادِهِ. ٣. مِثْلُ أَرْبَعِ يُسَاوِي حَمْسَةً وَ عِشْرِينَ. ٤. سِعْرُ الفِضَّةِ . . . مِنَ الذَّهَبِ.								
١٤	١. أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَيْنِ التَّالِيَيْنِ. (أَجِبْ : بِاسْمِ بَدِهِ) الف. فِي أَيِّ مُحَافِظَةٍ مَدِينَةُ أَهواز؟ ب. مَتَى يَبْدَأُ العَامُ الدَّرَاسِيُّ فِي إِيران؟ ٢. رَتِّبِ الكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سؤَالَ وَ جَوَابًا صَحِيحًا. الف. تومَانٍ / بِتسعينَ / هَذَا / أَلْفُ تومَانٍ / بِكُمْ / السُّرُوكُ / ؟ ب. الأَلْوَانِ / عِنْدَكُمْ / هَذَا القَمِيصِ / أَيُّ / وَ أَرْزُقُ / مِنْ / أَشْوَدُّ / ؟								
٢٠									

بار	ردیف		
مهارت واژه شناسی			
۱/۵	۱۵		
<p>الف. تَرَجِمَ مَا تَحْتَهَا حَظًا: كَشَفْتُ أَسْرَارَ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ.</p> <p>ب. اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: اُعْلَى / فُسُوقٌ / ذَنْبٌ / اُزْرَقُ / اُرْحَصُ / اِثْمٌ</p> <p>..... = ≠</p> <p>ج. اُكْتُبْ مَفْرَدَةً أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ: مَيِّتٌ: حُومٌ:</p>			
مهارت ترجمه			
۳	۱۶		
<p>للترجمة:</p> <p>الف. ﴿... لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْكُمْ قَوْمًا عَسَى أَنْ يَكُونَ خَيْرًا مِنْهُمْ﴾</p> <p>ب. أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعَيَّبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.</p> <p>ج. الْعَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.</p> <p>د. قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا فَعَلِينَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ.</p>			
۰/۵	۱۷		
<p>كُتِلَ التَّرْجِمَةُ: ﴿مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ﴾ هر کس خواهش نفسش بر خردش ... بدتر از ... است.</p>			
مهارت شناخت و کاربرد قواعد			
۳/۲۵	۱۸		
<p>الف. تَرَجِمِ الْفِعْلَ:</p> <table border="1" style="margin-left: auto; margin-right: auto;"> <tr> <td>تبادلي:</td> <td>تبادل: عوض کردن</td> </tr> </table> <p>ب. عَيْنِ الْكَلِمَةِ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي النَّوْعِ :</p> <p>۱. أبيض - أحمر - أفضل - أزرق ۲. مكتبة - ملعب - منزل - موعظة</p> <p>ج. عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ: مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَدَتْ نَفْسُهُ . (الفاعل و المفعول)</p> <p>د. صَعَّ حَظًّا تَحْتَ اسْمِ الْمَكَانِ وَ تَرَجِمَهُ: مَتَجَرُّ زَمِيلِي فِي أَكْبَرِ أَسْوَاقِ بِلَدِنَا.</p> <p>هـ. اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّةَ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ (۱۴ = ۱۰ + ۴) : ← عِشْرُونَ نَاقِصٌ اِثْنَيْنِ يُسَاوِي ثَمَانِيَةَ عَشَرَ</p> <p>و. عَيْنِ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ وَ اسْمِ التَّفْضِيلِ: إِنَّمَا أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ بَعَثَ الْمُرْسَلِينَ مُعَلِّمِينَ.</p>		تبادلي:	تبادل: عوض کردن
تبادلي:	تبادل: عوض کردن		
مهارت درک و فهم			
۱	۱۹		
<p>أَيُّ كَلِمَةٍ تُنَاسِبُ التَّرْصِيحَاتِ التَّالِيَةَ «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»؟ (الاستهزاء- المُقَصِّر- التنايز بالألقاب- سوء الظن- المُقَصِّر- الاغتياب)</p> <p>۱. تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ.</p> <p>۲. مَنْ يُقَصِّرُ كَلَامًا.</p> <p>۳. السُّخْرِيَّةُ مِنَ الْآخَرِينَ.</p> <p>۴. إِتِهَامٌ شَخْصٍ لِشَخْصٍ بِدُونِ دَلِيلٍ.</p>			
مهارت مکالمه			
۰/۷۵	۲۰		
<p>۱. أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِيِ: أَيُّ يَوْمٍ تَقْرَأُ الْعَرَبِيَّةَ فِي الْمَدْرَسَةِ؟</p> <p>۲. رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اُكْتُبْ سَوْألاً وَ جَوَاباً صَحِيحاً: تَسْعُونَ / الْقَمِيصِ / كَمْ / سِعْرُهُ / هَذَا / تَوْمَانِ / سِعْرُ / الْفَتْ / . / ؟</p> <p>.....</p>			
۱۰			

سوالات چهارگزینه‌ای

ترجمه و مفهوم

۲۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ﴾: ای (مشابه متن درس، صفحه ۲، کتاب درسی)

- ۱ کسانیکه ایمان آورده‌اند، گروهی، گروه دیگر را به گمان اینکه از آنان بهتر هستند مسخره نکنند!
- ۲ کسانیکه ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی، مردمانی را ریشخند کنند، شاید آنها بهتر از خودشان باشند!
- ۳ آنان که اهل ایمان هستید، نژادی، نژاد دیگر را که شاید از خودشان بهتر هستند، ریشخند نمی‌کنند!
- ۴ ایمان آوردگان، نباید قومی، از قومی دیگر عیب بگیرند، ممکن است افرادی از میان آنان خوب باشند!

۲۲. ﴿لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ﴾: (مشابه متن درس، صفحه ۲، کتاب درسی)

- ۱ و از خودتان عیب نگیرید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید آلوده شدن به گناه بعد از ایمان، بد اسمی است!
- ۲ و از دیگران عیب‌جویی نکنید و به همدیگر لقب زشت ندهید چه ناپسند است عنوان زشت بعد از ایمان آوردن!
- ۳ و خودتان عیب نگیرید و از لقب‌های زشت استفاده نکنید چه زشت است گناه کردن بعد از ایمان آوردن!
- ۴ و خودتان عیب دیگران را نگیرید و القاب زشت ندهید و نام زشت بعد از این که ایمان آورده‌اید، واقعاً بد است!

۲۳. «إِذَا ظَهَرَ لَكَ عَيْبٌ مِّنْ إِنْسَانٍ لَا تَذْكُرْهُ لِلنَّاسِ!»: (ترجمه ترکیبی)

- ۱ هرگاه عیبی از انسانی برای تو آشکار شد آن را برای مردم نقل نکن!
- ۲ چنانچه نقصی از یک انسان بر تو نمایان گشت برای دیگران ابراز نکن!
- ۳ اگر مشکلی از یک شخص برایت ظاهر گردید نباید برای مردم ذکر شود!
- ۴ وقتی که فردی عیب تو را آشکار کرد از وی نزد اشخاص بدگویی نکن!

۲۴. «إِخْتَارُوا الْآخَرِينَ عَمَلًا يَكْرَهُهُ كُلُّ عَاقِلٍ!»: (ترجمه ترکیبی)

- ۱ حقیر شمردن افراد دیگر رفتار کسی که تمام خردمندان از او نفرت دارند!
- ۲ به چشم حقارت نگریستن به دیگران عملی است که هر عاقلی را ناراحت می‌کند!
- ۳ تحقیر شدن دیگر افراد کاری است که همه‌ی خردمندان از آن پرهیز می‌کنند!
- ۴ کوچک شمردن دیگران کرداری است که هر خردمندی آن را ناپسند می‌دارد!

۲۵. «مَنْ نَظَرَ فِي عُيُوبِ النَّاسِ وَ نَسِيَ نَفْسَهُ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ حَقًّا!»: (ترجمه ترکیبی)

- ۱ کسی که به نقص‌های مردم توجه کرد و خود را از یاد برد در واقع خودش مسخره شده است!
- ۲ آن‌که به کاستی‌های اشخاص نگاه کند و خودش فراموش شود در حقیقت به تمسخر می‌پردازد!
- ۳ هرکس به عیوب مردم نظر کند و خود را نادیده بگیرد واقعیت را به تمسخر گرفته است!
- ۴ هرکس به عیب‌های مردم بنگرد و خویش را فراموش کند واقعاً خود را ریشخند می‌کند!

(ترجمه‌ی ترکیبی)

۲۶. «يُعْرِتُ الْعَاقِلُ بَعْدَ أَنْ يُجَادِلَ مَنْ يُخَالَفُهُ فِي الرَّأْيِ!»:

- ۱ عاقل می‌شناسد کسی را که در دیدگاه مخالف اوست پس از اینکه با وی بحث و جدل کند!
- ۲ عاقل بعد از ستیز کردن با کسی که در عقیده مخالف نظر اوست، آگاهی کسب خواهد کرد!
- ۳ خردمند پس از این که گفت و گو کند با کسی که در دیدگاه با او مخالفت می‌کند، شناخته می‌شود!
- ۴ آگاه می‌شود خردمند پس از این که مجادله می‌کند با فردی که در نظر و دیدگاه با او اختلاف دارد!

(ترجمه‌ی ترکیبی)

۲۷. «لِي صَدِيقٌ يُلَقَّبُ بِأَصْدِقَائِهِ بِالْقَابِ يَكْرَهُنَهَا فَهُوَ مِنْ أَحْسَرِ الْخَاسِرِينَ!»:

- ۱ دوستم در نزد من به دوستان خود لقب‌هایی می‌دهد که ناپسند هستند، پس او از خسارت‌دیده‌ترین افراد است!
- ۲ برای من دوستی است که به دوستانش لقب‌هایی می‌دهد که دوست ندارم، پس او از زیان‌کارترین زیان‌کاران است!
- ۳ دوستی دارم که دوستان خود را با لقب‌هایی می‌خواند که خوششان نمی‌آید، پس او زیان‌کارتر از زیان‌کاران است!
- ۴ دوستی دارم که به دوستانش لقب‌هایی می‌دهد که ناپسند دارند، پس او از زیان‌کارترین زیان‌کاران است!

(ترجمه‌ی ترکیبی)

۲۸. «قَدْ نَكَّرَهُ حَيَاتِنَا لِأَنَّهَا لَا نَنْظُرُ إِلَى جَمَالِهَا وَ نَنْسِي أَيْمَانَهَا الْفَرِحَةَ!»:

- ۱ شاید زندگی را دوست نداشته باشیم زیرا به زیبایی آن نگاه نکرده‌ایم و روزهای شاد آن را از یاد برده‌ایم!
- ۲ گاهی زندگیمان را دوست نداریم چون به زیبایی آن نمی‌نگریم و روزهای شادش را فراموش می‌کنیم!
- ۳ گاهی زندگیمان را ناپسند می‌پنداریم چون به زیبایش نگاه نمی‌کنیم و فراموش می‌کنیم روزهای زیبا دارد!
- ۴ شاید زندگی خود را ناپسند داریم ولی به جمال آن نگاه نمی‌کنیم و روزهای خوش آن را فراموش می‌کنیم!

(ترجمه‌ی ترکیبی)

۲۹. «الَّذِي لَمْ يَثْبُثْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا يُغْفَرُ ذُنُوبُهُ أَبَدًا لِأَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ فِي هَذَا الشَّهْرِ خَيْرًا كَثِيرًا!»:

- ۱ هرکس در ماه رمضان توبه نکند، خدا گناهانش را نمی‌آمرزد، زیرا در این ماه خیر فراوانی قرار داده شده است!
- ۲ فردی که در ماه رمضان نتوانست توبه کند، گناهانش بخشیده نشد، چون خداوند خیر و خوبی را در این ماه قرار داده است!
- ۳ کسی که در ماه رمضان توبه نکرد، هیچ‌گاه گناهانش آمرزیده نمی‌شود، زیرا خدا در این ماه خیر زیادی قرار داده است!
- ۴ هرکس در ماه رمضان توبه نکرد، خدا گناهان او را هرگز نمی‌آمرزد، چون در این ماه برکت زیادی قرار داده شده است!

(مکمل متن درس، صفحه‌ی ۴، کتاب درسی)

۳۰. «سُئِيتُ سُوْرَةَ الرَّحْمَنِ بِعُرْسِ الْقُرْآنِ بِسَبَبِ الْمَفَاهِيمِ الْجَمِيلَةِ الَّتِي نَتَعَلَّمُ مِنْهَا!»:

- ۱ سوره‌ی الرحمن را عروس قرآن نام نهاده‌اند به دلیل این که مفاهیم‌های زیبایی را از آن یاد گرفته‌ایم!
- ۲ سوره‌ی الرحمن به دلیل مفاهیم زیبایی که از آن یاد می‌گیریم، عروس قرآن نامیده شده است!
- ۳ به سبب مفاهیم خوبی که از سوره‌ی الرحمن می‌آموزیم، این سوره را عروس قرآن نامیده است!
- ۴ سوره‌ی الرحمن عروس قرآن نامیده شده زیرا مفاهیمی که به ما یاد می‌دهد، زیبا هستند!

(ترجمه‌ی ترکیبی) (سراسری هنر ۹۳)

۳۱. «مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ تَظَاهُرُهُ بِالْغَفْلَةِ عَنِ الْأَخْرَيْنِ!»:

- ۱ بهترین کار یک انسان بخشنده تظاهر کردن به بی‌اطلاعی است در مورد خطاهای دیگران!
- ۲ از بهترین کارهای انسان کریم تظاهر کردن اوست به عدم اطلاع درباره‌ی اشتباهات دیگران!
- ۳ از برترین اعمال نیک اشخاص بخشنده این است که اشتباهات دیگران را نادیده بگیرند!
- ۴ برترین اعمال شخص کریم این است که در مورد خطاهای دیگران بی‌اطلاع جلوه کند!

۳۲. «قد تَمَّمُ اللَّهُ نِعْمَتَهُ عَلَى بَعْضِ الْحَيَوَانَاتِ بِإِعْطَائِهَا قُدْرَةَ سَمْعٍ حَادَّةٍ تُسَاعِدُهَا فِي الطَّيْرَانِ!»: خداوند ... (ترجمه ترکیبی) (سراسری زبان ۸۵)

۱) نعمت خود را بر بعضی حیوانات با اعطای قدرت شنوایی قوی‌ای که آن‌ها را در پرواز کمک می‌کند، کامل کرده است!
۲) نعمت را بر برخی حیوانات کامل کرده است و آن به وسیله‌ی اعطای قدرت شنوایی قوی و کمک کردن به پرواز آن‌هاست!

۳) با بخشیدن قدرت شنوایی تیز به بعضی حیوان‌ها نعمت را تمام کرده است و این نعمت آن‌ها را در پرواز کمک می‌کند!
۴) نعمت‌های خود را با بخشیدن قدرت شنوایی نیرومندی به برخی حیوان‌ها و مساعدت آن‌ها در پرواز تمام کرده است!

۳۳. «يَا عِبَادَ اللَّهِ! لَا تَحْزَنُوا فَإِنَّكُمْ فِي أَعْلَىٰ دَرَجَةٍ إِنْ كُنْتُمْ مُحِبِّينَ لَهُ!»: ای بندگان خدا ... (ترجمه ترکیبی) (سراسری تجربی ۸۷)

۱) غم نخورید، چه شما اگر دوستدار او باشید در برترین مرتبه هستید!
۲) غمگین مشوید در حالی که در بهترین مراتب هستید اگر دوستدار وی باشید!
۳) هرگز غم نخورید، چه شما اگر او را دوست بدارید در بالاترین درجات قرار می‌گیرید!
۴) هیچ‌گاه غمگین مشوید در حالی که در بالاترین مرتبه اید تا زمانی که دوستدار او هستید!

۳۴. «كُنْتُ أَعْرِفُ كَاتِبًا قَدْ كَتَبَ أَكْثَرَ مَقَالَتِهِ فِي صُحُفِ مَدِينَتِنَا!»: (ترجمه ترکیبی) (سراسری ریاضی ۸۸)

۱) من نویسنده‌ای را شناختم که اکثر مقاله‌های او در روزنامه‌ی شهر ما به چاپ رسیده بود!
۲) نویسنده‌ای را می‌شناختم که بیش تر مقالات خود را در روزنامه‌های شهرمان نوشته بود!
۳) به نویسنده‌ای معرفی شدم که اکثر مقاله‌هایش در روزنامه‌ی شهرمان به چاپ رسیده است!
۴) با نویسنده‌ای آشنا شدم که بیش تر مقالات خویش را در روزنامه‌های شهری‌مان نوشت!

۳۵. «لَا تَتْرَكُوا شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِكُمْ لِإِصْلَاحِ دُنْيَاكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يَفْتَحُ عَلَيْكُمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ!»: (ترجمه ترکیبی) (سراسری زبان ۸۸)

۱) نباید دین را به‌خاطر اصلاح دنیای خود ترک کرد، زیرا باب آن‌چه که از آن ضرر بخش‌تر است بر شما باز می‌شود!
۲) آن‌چه از امور دینی است برای اصلاح دنیایتان نباید رها شود، زیرا خداوند چیزی را بر شما می‌گشاید که از آن زیان‌بارتر است!

۳) چیزی از امر دینتان را بخاطر اصلاح دنیای خود ترک نکنید، که خدا آن‌چه را که ضررش از آن بیش‌تر است بر شما می‌گشاید!
۴) امری از امور دینتان را بخاطر امور دنیا رها نکنید، زیرا چیزهایی به شما روی می‌آوردند که زیان آن‌ها بیش‌تر است!

۳۶. عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ: (مکمل متن درس، صفحه‌ی ۲، کتاب درسی)

۱) الْعَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ!؛ غیبت تلاش ناتوان است!
۲) لَا يَفْتَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا!؛ نباید از همدیگر غیب کنند!
۳) عَلَيْنَا بِالْإِتِّعَادِ عَنِ الْعُجْبِ!؛ ما باید از خود پسندی دور شویم!
۴) بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ!؛ آوده شدن به گناه بد عملی است!

(مشابه اختبر نفسک، صفحه‌ی ۷، کتاب درسی)

۳۷. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ «و جادلهم بالتي هي أحسن»: و با آنان به روشی ستیز کرد که نیکوتر است!
- ۲ خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ!: بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند!
- ۳ «مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ»: آن که شهوتش بر خردش غلبه کند، از بدترین چارپایان است!
- ۴ «رَبُّنَا آمَنَّا فَاعْفُرْ لَنَا و اِرْحَمْنَا»: پروردگارا ایمان می‌آوریم، پس برایمان بیامرز و بر ما رحم بفرما!

(مشابه اختبر نفسک، صفحه‌ی ۶، کتاب درسی)

۳۸. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ إِنَّ اللَّهَ يُنَزِّلُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ!: بی‌گمان خداوند آرامش خود را بر دل‌های مؤمنان نازل فرمود!
- ۲ «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»: خداوند به نفسی جز اندازه‌ی توانش تکلیف نمی‌کند!
- ۳ أُجِبْ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ أَنْفَعَهُمْ لِلْعِبَادِ!: محبوب‌ترین از میان بندگان خدا سودمندترینشان برای بندگان است!
- ۴ إِعْلَمْ أَنَّ السُّكُوتَ سِعْرُهُ أَغْلَىٰ مِنَ الْكَلَامِ!: بدان که سکوت قیمتش گران‌تر از سخن است!

(ترجمه‌ی ترکیبی)

۳۹. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ يَا أَيُّهَا الشَّبَابُ! أَحْسِنُوا إِلَىٰ إِخْوَانِكُمْ كَمَا أَحْسَنُوا إِلَيْكُمْ!: ای جوانان! به برادرانتان نیکی کنید همان‌طور که به شما نیکی کردند،
- ۲ أُسْتُرُوا غُيُوبَهُمْ و لَا تَكشِفُوا أَسْرَارَهُمْ: عیب‌هایشان را بپوشانید و رازهایشان را آشکار ننمایید،
- ۳ و لَا تَعْتَبُوا مَنْ إِيغَابِكُمْ: و از میان غیبت‌هایتان، غیبت آنان را نکنید،
- ۴ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ خُلُقَكُمْ كَمَا حَسَّنَ خُلُقَكُمْ!: چه خداوند خُلُق‌تان را نیکو می‌کند همان‌طور که آفرینش شما را نیکو گرداند!

(مکمل متن درس، صفحه‌های ۳ و ۴، کتاب درسی)

۴۰. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ فِي مَكْتَبِنَا الْإِسْلَامِيِّ حُرْمُ الْإِسْتِهْزَاءِ بِالْآخِرِينَ!: در مکتب اسلامی ما مسخره کردن دیگران حرام شده است!
- ۲ مَا أَجْمَلَ تَسْمِيَةَ النَّاسِ بِالْأَسْمَاءِ الْحَسَنَةِ!: نام دادن به مردم با نام‌های نیکو زیباتر است!
- ۳ الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ!: غیبت عامل مهمی برای قطع ارتباط میان مردم است!
- ۴ تَنصَحُنَا آيَةُ مِنْ آيَاتِ سُورَةِ الْحُجُرَاتِ: لَا تَعَيَّبُوا الْآخِرِينَ!: یکی از آیات سوره‌ی حجرات ما را نصیحت می‌کرد: از دیگران عیب نگیرد!

(ترجمه‌ی ترکیبی) (سراسری زبان ۸۹)

۴۱. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ الظُّلْمُ عَلَى الضَّعِيفِ أَقْبَحُ الظُّلْمِ، وَ هَذَا الْعَمَلُ مَذْمُومٌ!: ظلم بر ضعیف، زشت‌ترین ظلم است و این کار ناپسند است!
- ۲ الزَّاهِدُونَ يَجْتَنِبُونَ الْخَطِيئَاتِ، وَ هُوَ لَا مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ!: زاهدان از خطاها دوری می‌کنند، و این‌ها پیش خدا محبوبند!
- ۳ النَّاسُ يُذْنِبُونَ وَ قَلِيلٌ مِنْ هُوَ لَا لِذُنُوبِهِمْ يَتُوبُونَ!: مردم گناه می‌کنند و عده‌ی کمی از این‌ها گناه کارانی هستند که توبه می‌کنند!
- ۴ يَعْبُدُ الْعَابِدُونَ اللَّهَ فِي اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ وَ هَذَا اللَّيْلُ كَسْتَرٍ لَهُمْ!: عابدان خدا را در شب تاریک عبادت می‌کنند و این شب مانند پوششی برای آن‌هاست!

۴۲. عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

(ترجمه‌ی ترکیبی) (مشابه سراسری زبان ۹۳)

- ۱) مَنْ يَسْتَطِيعُ مِنْ بَيْنِنَا أَنْ يَفْهَمَ النُّصُوصَ الْأَدْبِيَّةَ! چه کسی از بین ما می‌تواند متون ادبی را بفهمد!
- ۲) كَانَ رَأْيُهُ صَاحِحاً وَالْآخَرُونَ يَقْبَلُونَ رَأْيَهُ! نظرش درست بود و دیگران نظر او را می‌پذیرفتند!
- ۳) يَشْتَرِي النَّاسُ أَشْيَاءَ أَكْثَرَ مِمَّا هُمْ بِحَاجَةٍ إِلَيْهِ! مردم بیش‌تر کالاها را به خاطر نیازشان خریداری می‌کنند!
- ۴) عَزَمْتُ عَلَى أَنْ أَسَاعِدَهُ لِأَنِّي لَا أَشَاهِدُ تَقَدُّمًا فِي عَمَلِهِ! تصمیم گرفتم به او کمک کنم زیرا در کارش پیشرفتی نمی‌بینم!

۴۳. عَيْنُ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ الْمَفْهُومِ هَذِهِ الْعِبَارَةُ: «أَكْبُرُ عَيْبٍ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ!»

(مشابه متن درس، صفحه‌ی ۲، کتاب درسی)

- ۱) رطب خورده منع رطب کی کند!
- ۲) دیگ به دیگ می‌گه روت سیاه!
- ۳) هر که عیبم کند از عشق و ملامت گوید / تا ندیدست تو را بر منش انکاری هست!
- ۴) لَا تَنْهَ عَنْ خُلُقٍ وَ تَأْتِي مِثْلَهُ / عَيْبٌ عَلَيْكَ إِذَا فَعَلْتَ عَظِيمٌ!

۴۴. «قَدْ يَضُرُّ الشَّيْءُ تَرْجُو نَفْعَهُ!»؛ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ الْمَفْهُومِ:

(مفهوم ترکیبی) (مشابه سراسری ریاضی ۸۹)

- ۱) «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ»
- ۲) «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا»
- ۳) «عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ»
- ۴) «لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»

۴۵. عَيْنُ مَا يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي فِي الْمَفْهُومِ:

(مکمل التمرین الثانی، صفحه‌ی ۱۰، کتاب درسی)

- ۱) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ!
- ۲) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ!
- ۳) الْمُؤْمِنُ بَشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حَزْنُهُ فِي قَلْبِهِ!
- ۴) الْعُجْبُ دَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِ الْإِنْسَانِ!

۴۶. عَيْنُ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ:

(مفهوم ترکیبی)

- ۱) شَرُّ النَّاسِ ذَوَالْوَجْهِينِ!؛ عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَكُونَ ظَاهِرُهُ وَ بَاطِنُهُ وَاحِدَةً!
- ۲) تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً!؛ عِبَادَةُ الرَّحْمَنِ هُمْ الَّذِينَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَيْلاً وَ نَهَاراً!
- ۳) السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ!؛ الْعَاقِلُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ يُدْبِرُهُ!
- ۴) خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ!؛ عَلَيْكُمْ بِالْأَمَانَةِ لِأَنَّهَا تَجْلِبُ الرِّزْقَ لَكُمْ!

۴۷. عَيْنُ مَا يُخَالِفُ مَفْهُومَ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ!»

(مکمل اختبر نفسک، صفحه‌ی ۷، کتاب درسی)

- ۱) بَعْضُ الْأَوْقَاتِ يَسَى الْإِنْسَانُ عُيُوبَهُ!
- ۲) خَيْرُ الْأَصْدِقَاءِ مَنْ يَذْكُرُ عُيُوبِي!
- ۳) الَّذِي يَسْتَرُ عُيُوبِي فَهُوَ مِنْ خَيْرِ أَصْدِقَائِي!
- ۴) عَلَى الصَّدِيقِ أَنْ لَا يَغْتَابَ صَدِيقَهُ أَبَداً!

٤٨. عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي تَرْجَمَةِ مَا تَحْتَهُ خَطُءٌ:

(ترجمه‌ی ترکیبی)

١. اِنْكَسَرَتِ الرَّجُلَةُ! شكستی
٢. اِنَّمَا يُعِثُّ مُعَلِّمًا: فرستاده شدم
٣. الْغَيْبَةُ يَقْطَعُ التَّوَاصِلَ بَيْنَ النَّاسِ! بیوند
٤. لَيْسَ شَيْءٌ اَثْقَلُ فِي الصِّمَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ! ترازو

٤٩. عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ:

(ترجمه‌ی ترکیبی)

١. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَّتْ نَفْسُهُ! بد شد
٢. لِلدَّرْسِ سَوْفَ يُعَلِّمُ الدَّرْسَ الْجَدِيدَ! آموزش خواهد داد
٣. الْيَوْمَ تَعَلَّمْتُ مَا هُوَ صَرُورِي لَكَ! می‌آموزی
٤. لَمْ تُحَاوَلْ لِفَضْحِ النَّاسِ! رسوا کردن

٥٠. عَيِّنِ لِلْفَرَاغِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْاُخْرَى فِي الْمَعْنَى: «خضراء - أزرق - . . . - أصفر»

(مفهوم ترکیبی)

١. بِنَفْسِي
٢. حمراء
٣. فضي
٤. أصغر

٥١. أَيْ كَلِمَةٍ لَا تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ:

(مکمل التمرین الأول، صفحه‌ی ١٠، کتاب درسی)

١. عَمَلٌ لَيْسَ جَمِلاً! ← الْقَبِيحُ
٢. مَكَانٌ لِلرِّيَاضَةِ أَوْ الْمُسَابَقَةِ! ← الْمَلْعَبُ
٣. مَنْ اِهْتَدَى! ← الْمُهْتَدِي
٤. مَنْ يَتَعَلَّمُ! ← الْمُعَلِّمُ

٥٢. عَيِّنِ غَيْرَ الْمُنَاسِبِ حَسَبَ التَّوْضِيحَاتِ:

(مکمل التمرین الأول، صفحه‌ی ١٠، کتاب درسی)

١. الْفُسُوقُ ← تَكْبِيرُ الْعِيُوبِ لِالِاسْتِهْزَاءِ!
٢. الْاِغْتِيَابُ ← ذِكْرُ الْاِنْسَانِ فِي غِيَابِهِ مِمَّا يَكْرَهُ نُشْرَهُ!
٣. الْمَيْتُ ← الَّذِي لَيْسَ حَيًّا!
٤. التَّوَابُ ← الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ!

٥٣. عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي تَعْرِيفِ الْأَسْمَاءِ:

(مکمل التمرین الأول، صفحه‌ی ١٠، کتاب درسی)

١. التَّخْفِيفُ ← اِنزَالُ الْأَسْعَارِ فِي الْمُنَاجِرِ!
٢. التَّنَازُرُ ← كَشْفُ عِيُوبِ الْاِنْسَانِ عِنْدَمَا يُسَبِّبُ الْحَجَلَ!
٣. سَوْءُ الظَّنِّ ← اِتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بَدُونِ دَلِيلٍ مَنْطَقِيٍّ!
٤. الْفَلَاقُ ← الصُّبْحُ عِنْدَمَا يَنْشَقُّ مِنْ ظُلْمَةِ اللَّيْلِ!

٥٤. عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ حَسَبَ الْمَفْهُومِ: «... نَوْعٌ مِنَ الشَّرِكِ لِأَنَّهُ يُسَبَّبُ شُكْرَ النَّفْسِ لَا شُكْرَ الْخَالِقِ!»

(مکمل التمرین الأول، صفحه‌ی ١٠، کتاب درسی)

١. الْاِسْتِهْزَاءُ
٢. الْفَضْحُ
٣. التَّجَسُّسُ
٤. الْعُجْبُ

٥٥. عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ: «قَالَ حَكِيمٌ لِي: مَنْ ... أَخَاهُ كَأَنَّهُ يَعِيبُ نَفْسَهُ لِأَنَّ لَهُ نَصِيبًا مِمَّا فَعَلَ!»

(مفهوم ترکیبی)

١. يُلْقَبُ
٢. يَلْمُ
٣. يَتَوَبُّ
٤. يَتَوَاصَلُ